



"مقاله پژوهشی"

مقایسه عملکرد بره‌های بلوچی با آمیخته‌های حاصل از میش‌های بلوچی با قوچ‌های کردی و قره‌گل

داودعلی ساقی^۱، علی‌رضا ودیعی نوقابی^۲ و راضیه ساقی^۳

۱- دانشیار تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی، (نویسنده مسوول: davoudali@yahoo.com)

۲- کارشناس ارشد تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی

۳- دکتری تحقیقات آموزش و ترویج کشاورزی، مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی خراسان رضوی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۹/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۳۰

صفحه: ۱۴۷ تا ۱۵۴

چکیده مبسوط

مقدمه و هدف: آمیخته‌گری به‌عنوان سریع‌ترین روش برای بهره‌وری از تفاوت بین نژادها، می‌تواند روش مناسبی برای بهبود عملکرد راندمان تولید گوشت در گوسفند باشد. هدف پژوهش حاضر مقایسه بره‌های بلوچی با آمیخته‌های حاصل از میش‌های بلوچی با قوچ‌های کردی و قره‌گل می‌باشد.
مواد و روش‌ها: به‌منظور بررسی اثر آمیخته‌گری بر عملکرد وزن بره‌ها تا شیرگیری و دوره پرور و ترکیب لاشه از سه گروه ژنتیکی شامل بره‌های خالص بلوچی (BB)، آمیخته‌های قره‌گل × بلوچی (GB) و کردی × بلوچی (KB) استفاده شد. میش‌ها در گروه‌های ۵۰ راسی و هر گروه با ۲ راس قوچ آمیزش داده شدند. تعداد ۲۷ راس بره نر خالص و آمیخته در قالب سه تیمار با سه تکرار و سه راس بره در هر تکرار استفاده شدند. داده‌ها با رویه GLM نرم‌افزار SAS تجزیه شدند.

یافته‌ها: بالاترین راندمان باروری (۷۶ درصد) مربوط به گروه ژنتیکی BB به‌دست آمد. بره‌های حاصل از قوچ‌های قره‌گل دارای بالاترین وزن تولد و بره‌های حاصل از قوچ‌های بلوچی دارای کمترین وزن تولد (به‌ترتیب ۴/۸۰ و ۳/۹۵ کیلوگرم) بودند. بره‌های حاصل از قوچ‌های قره‌گل نسبت به سایر بره‌ها افزایش وزن روزانه بالاتری (۲۶۰ گرم در روز) قبل از شیرگیری داشتند ($p < 0.05$). بیشترین و کمترین میزان مصرف ماده خشک به‌ترتیب مربوط به گروه GB با مقدار (۱۲۵۰ گرم در روز) و گروه BB با مقدار (۹۵۰ گرم در روز) بودند. بیشترین افزایش وزن روزانه پرور در گروه GB و کمترین در گروه BB به ترتیب ۱۶۹/۲ و ۹۲/۸ گرم در روز به دست آمد ($p < 0.05$). گروه‌های مختلف ژنتیکی تأثیر معنی‌داری بر وزن لاشه‌های گرم و سرد بره‌های پروراری داشتند ($p < 0.05$). تأثیر آمیخته‌گری بر ضخامت چربی، وزن دنبه و ران معنی‌دار بود ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: با توجه به عملکرد تولیدمثلی مناسب در استفاده از قوچ قره‌گل به‌عنوان پایه پدری آمیخته‌گری و عملکرد بهینه در سرعت رشد، مصرف خوراک، ضریب تبدیل در دوره قبل از شیرگیری و پس از شیرگیری و همچنین خصوصیات لاشه شامل وزن لاشه گرم و سرد و دنبه کمتر نسبت به سایر آمیخته‌های استفاده شده در این تحقیق، احتمالاً استفاده از قوچ‌های قره‌گل جهت تولید بره‌های آمیخته تجاری مناسب‌تر می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آمیخته‌گری، ترکیبات لاشه، رشد، قره‌گل، گوسفند بلوچی

مقدمه

بر اساس آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران جمعیت گوسفند در ایران ۴۸/۲ میلیون راس است که شامل ۲۷ گروه ژنتیکی با ویژگی‌های مختلف می‌باشند (۱۷). هدف اصلی تولیدکنندگان، افزایش عملکرد گله است. یکی از روش‌ها برای دستیابی به این هدف بهبود پتانسیل ژنتیکی حیوان می‌باشد. بهبود عملکرد تولیدمثلی میش‌های گله نیز از دیگر فرصت‌ها برای افزایش عملکرد تولید گوشت می‌باشد (۲۱). برای دستیابی به عملکرد بهتر و تولید اقتصادی، استفاده از تفاوت بین نژادهای مختلف می‌تواند بسیار مفید و مؤثر باشد و دامپروران می‌توانند از برنامه‌های آمیخته‌گری برای رسیدن به این منظور استفاده نمایند که می‌تواند روش مناسبی برای بهبود راندمان تولید گوسفند باشد. آمیخته‌گری به منظور تکمیل‌کنندگی با استفاده از نقاط قوت دو یا چند نژاد مختلف و بهره‌گیری از هتروزیس مورد استفاده قرار می‌گیرد. هتروزیس میزان برتری عملکرد فرزندان نسبت به میانگین عملکرد والدین می‌باشد که هر چه میزان فاصله ژنتیکی دو نژاد بیشتر باشد میزان برتری بیشتر خواهد بود (۲۱). موفقیت در آمیخته‌گری بستگی به نژادهای مورد استفاده و فاصله ژنتیکی آن‌ها دارد. در خصوص اثر آمیخته‌گری بر عملکرد تولید گوسفند نتایج گوناگونی گزارش شده است:

زل مورد بررسی قرار گرفت و گزارش شد که مناسب‌ترین تلاقی بین قوچ‌های شال با میش‌های زل می‌باشد (۹). عملکرد بره‌های آمیخته حاصل از تلاقی قوچ‌های شال، مغانی و افشاری با میش‌های کردی منطقه ایلام نیز مورد بررسی قرار گرفت و گزارش شد که نژاد قوچ بر هیچ یک از صفات قبل از شیرگیری (وزن تولد، وزن شیرگیری و افزایش وزن روزانه) تأثیر معنی‌داری نداشته و بره‌های حاصل از قوچ‌های نژاد شال و مغانی در دوره قبل از شیرگیری افزایش وزن روزانه بیشتری نسبت به بره‌های حاصل از قوچ‌های افشاری و کردی داشتند (۱۴).

اطلاعات به دست آمده از کشتار بره‌های حاصل از تلاقی میش‌های ورامینی با قوچ‌های شال، افشاری، مغانی و ورامینی طی مطالعه‌ای ارزیابی شد و گزارش گردید میانگین دنبه، درصد گوشت لحم و استخوان و درصد چربی در ترکیبات ژنتیکی مختلف اختلاف معنی‌دار داشتند. بره‌های دوره اول پرور یعنی پرور پس از شیرگیری بازده لاشه بالاتری داشتند. بره‌های دوره دوم پرور در گروه‌های ژنتیکی مختلف (پرور شده در پایان پرور بره‌های گروه اول) چربی لاشه بیشتر و کیفیت لاشه پایین‌تر و بازارپسندی کمتری داشتند (۱۶).

در آزمایشی نیز با هدف تخمین هتروزیس فردی صفت رشد در بره‌های حاصل از دو نژاد قزل و مهربان و آمیخته‌های آن‌ها گزارش شد که بره‌های خالص نژاد قزل نسبت به

عملکرد تولیدمثلی، عملکرد رشد، ضریب تبدیل و صفات لاشه در تلاقی‌های دوطرفه حاصل از نژادهای شال، مغانی و

بهبود سرعت رشد، کاهش دنبه و چربی لاشه، افزایش تعداد بره در هر زایش و بهبود ضریب تبدیل غذایی در این نژاد منجر به افزایش بازده اقتصادی خواهد شد. هرچند تنوع نژادی در گوسفند، یکی از منابع مهم مورد استفاده در آمیخته‌گری می‌باشد، اما استفاده از پایه‌های پدری و مادری مناسب در هر برنامه اصلاح نژادی و آمیخته‌گری از مسئله‌های مهم و اساسی می‌باشد. بنابراین لازم است که تحقیقاتی در رابطه با افزایش بازده اقتصادی (بهبود کیفیت لاشه، سرعت رشد، ضریب تبدیل غذایی و ...) از طریق تلاقی‌گری با استفاده از نژادهای مناسب صورت پذیرد. لذا، هدف از پژوهش حاضر ارزیابی عملکرد تولیدمثلی گوسفند نژاد بلوچی و آمیخته‌های این نژاد با قوچ نژادهای قره‌گل و کردی و تعیین راندمان غذایی بره‌های در حال رشد حاصل از تلاقی‌ها بود.

مواد و روش‌ها

در این تحقیق ۱۵۰ رأس میش از نژاد بلوچی خالص (از گله مردمی واقع در شهرستان گناباد خراسان رضوی) انتخاب شدند. سن میش‌ها ۲ تا ۳ سال بود و در شکم دوم زایش بودند. میش‌ها به طور تصادفی به ۳ گروه ۵۰ رأسی تقسیم شدند و هر گروه با ۲ رأس قوچ آمیزش داده شدند که شامل ۲ رأس قوچ خالص نژاد کردی (مرکز پرورش و اصلاح نژاد گوسفند کردی خراسان شمالی)، ۲ رأس قوچ بلوچی (ایستگاه پرورش و اصلاح نژاد شمال شرق کشور عباس‌آباد) و ۲ رأس قوچ قره‌گل (مرکز پرورش و اصلاح نژاد گوسفند قره‌گل شهرستان سرخس) تهیه شدند. همزمان‌سازی فحلی در گله مورد مطالعه انجام نشد و قوچ‌ها در فصل جفت‌گیری (اواسط مرداد ماه تا اواخر شهریور ماه) به مدت سه چرخه فحلی درگله حضور داشتند تا از آبستن شدن میش‌ها اطمینان حاصل گردد. تیمارها و گروه‌های ژنتیکی به شرح جدول ۱ بودند.

بره‌های مهربان وزن تولد بالاتری داشتند. علاوه بر این، بره‌های آمیخته حاصل از میش‌های مهربان با قوچ‌های قزل متوسط وزن بالاتری نسبت به بره‌های حاصل از میش‌های قزل با قوچ‌های مهربان داشتند. همچنین اختلاف متوسط وزن شش ماهگی بین بره‌های آمیخته معنی‌دار بود. در این آزمایش هتروزیس فردی برای متوسط وزن تولد، کل وزن تولد، متوسط شش ماهگی و کل وزن شش ماهگی به ترتیب ۰/۳۷، ۰/۳۰، ۰/۲۲ و ۱/۰۳- گزارش شد (۱).

عملکرد تولیدی بره‌های حاصل از تلاقی میش‌های کردی (ایلام) با قوچ‌های افشاری، سنجایی و شال هم مورد بررسی قرار گرفت و گزارش شد که بره‌های حاصل از تلاقی میش کردی با قوچ شال نسبت به سایر بره‌ها وزن تولد و شش ماهگی بالاتری داشتند (۴).

در مطالعه دیگری عملکرد پروراندی و ویژگی‌های لاشه بره‌های نر حاصل از تلاقی آواسی با آمیخته‌های آواسی × رومانف بررسی و گزارش شد در طول دوره پروراندی، افزایش وزن روزانه بره‌های نر آمیخته آواسی با آواسی × رومانف ۰/۱۹ ± ۰/۲۷۸ کیلوگرم، ضریب تبدیل خوراک ۴/۷۹، میانگین وزن زنده پایانی ۰/۹۶۸ ± ۳۳/۶۲ و وزن لاشه سرد ۰/۶۲۷ ± ۱۴/۹۱ بود. نتایج این مطالعه نشان داد که افزایش وزن روزانه، بازده خوراک و بخش‌های لاشه بره‌های نر آمیخته‌های آواسی با آواسی × رومانف مشابه مقادیر مربوط به نژاد آواسی بود (۱۹).

شناسایی ظرفیت ژنتیکی نژادهای بومی و شناسایی تلاقی‌های مناسب می‌تواند در افزایش بازده اقتصادی گوسفندان کشور مفید باشد. گوسفند بلوچی یکی از نژادهای گوسفند در ایران است که طی سالیان طولانی تحت تأثیر انتخاب طبیعی و مصنوعی قرار گرفته است. این نژاد استخوان‌بندی قوی، بدن مستقیم و توان کافی برای راهپیمایی داشته و سرعت بالا رفتن آن در مراتع کوهستانی به دلیل سبکی وزن و دنبه نسبتاً کوچک شایان ملاحظه است.

جدول ۱- گروه‌های ژنتیکی و تعداد حیوانات مورد آزمایش

Table 1. Genetic groups and number of animals tested

تعداد قوچ	تعداد میش	نشانه	نژاد پدری و مادری		گروه ژنتیکی
			پدر (♂)	مادر (♀)	
۲	۵۰	BB	بلوچی	بلوچی	۱
۲	۵۰	GB	قره‌گل	بلوچی	۲
۲	۵۰	KB	بلوچی	کردی	۳
۶	۱۵۰				کل

زایش‌ها در ماه‌های بهمن و اسفند بود. به دلیل اینکه میش‌های گله‌های مردمی بودند، رکورد وزن نداشتند اما نمره وضعیت بدنی آن‌ها ۲/۵-۳ بود. پس از زایش، عملکرد تولیدمثلی میش‌ها شامل درصد باروری و راندمان بره‌گیری و توانایی تولیدمثلی محاسبه گردید. درصد باروری از نسبت تعداد میش‌های زایمان کرده به تعداد میش‌های جفت‌گیری کرده، راندمان بره‌گیری از نسبت تعداد بره‌های متولد شده به تعداد میش‌های زایمان کرده و توانایی تولیدمثلی میش‌ها نیز از نسبت تعداد بره‌های از شیرگرفته شده به تعداد میش‌های آمیزش کرده محاسبه گردید.

وزن تولد، وزن شیرگیری، جنس و تیپ تولد بره‌ها ثبت شد. بره‌ها در سن ۱۰ ± ۹۰ روزگی از شیر گرفته شدند. پس از شیرگیری، تعداد ۲۷ رأس بره نر خالص و آمیخته در قالب سه تیمار با سه تکرار و سه رأس بره در هر تکرار جهت بررسی عملکرد رشد، مصرف خوراک و بررسی کمیت و کیفیت لاشه به شرح جدول ۲ انتخاب شدند و دقیقاً پس از شیرگیری به مدت ۹۰ روز پرورار شدند. ۱۴ روز برای عادت کردن بره‌ها به شرایط آزمایش از قبیل جایگاه، روش نگهداری، توزین، نوع جیره و نحوه خوراک دادن قبل از شروع آزمایش اصلی منظور گردید.

جدول ۲- توصیف آماری صفت وزن و تعداد بره‌های گروه‌های ژنتیکی در مرحله پرور

گروه ژنتیکی	نژاد پدری و مادری		نشانه	تکرار	تعداد حیوان	میانگین وزن شروع آزمایش	حداقل وزن	حداکثر وزن
	پدر (♂)	مادر (♀)						
۱	بلوچی	بلوچی	BB	۳	۹	۳۰/۴۸	۲۶/۹	۳۳/۱
۲	قره‌گل	بلوچی	GB	۳	۹	۳۴/۱	۳۰/۲	۳۸/۷
۳	کردی	بلوچی	KB	۳	۹	۳۲/۴۸	۳۰/۴	۳۶/۴
کل				۹	۲۷			

هم‌چنین، ضخامت چربی زیر جلدی در ناحیه دنده شماره ۱۲ با استفاده از کولیس اندازه‌گیری شد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

برای تشکیل فایل داده، اطلاعات و داده‌ها در نرم افزار Excel وارد گردیدند و پس از آن با رویه GLM نرم‌افزار SAS (نسخه ۹/۲) مورد تجزیه آماری قرار گرفتند.

مدل آماری مورد استفاده برای داده‌های مربوط به وزن بره‌ها از تولد تا شیرگیری به صورت زیر بود.

$$Y_{ijk} = \mu + Sir_i + Sex_j + e_{ijk}$$

که در آن؛ Y_{ijk} : مشاهده برای هر صفت، μ : میانگین کل برای هر صفت، Sir_i : اثر آمین پدر، Sex_j : اثر جنس بره‌ها و e_{ijk} : اثر باقی‌مانده می‌باشند.

مدل آماری مورد استفاده برای تجزیه داده‌های عملکرد دوره پرور و صفات لاشه به صورت زیر بود.

$$Y_{ij} = \mu + Sir_i + e_{ij}$$

که در آن؛ Y_{ij} : مشاهده برای هر صفت، μ : میانگین کل، Sir_i : اثر آمین پدر و e_{ij} : اثر باقی‌مانده است. برای مقایسه میانگین، از آزمون چند دامنه‌ای دانکن در سطح ۵٪ استفاده گردید.

نتایج و بحث

عملکرد تولیدمثلی میش‌ها

خلاصه آماری عملکرد تولیدمثلی میش‌های بلوچی تلاقی یافته با قوچ‌های بلوچی، کردی و قره‌گل در جدول ۳ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد میانگین درصد باروری ۶۵/۳ درصد می‌باشد و میش‌های گروه ژنتیکی BB بالاترین درصد باروری (۷۶ درصد) را به خود اختصاص دادند، به عبارت دیگر، از تعداد ۵۰ رأسی که در برنامه تلاقی بودند، ۳۸ رأس زایمان کردند. کمترین میزان درصد باروری در گروه ژنتیکی KB به میزان ۵۰ درصد به‌دست آمد.

بر اساس میانگین وزن بره‌ها و نیز حداکثر میزان افزایش وزن روزانه مورد انتظار، با استفاده از جداول استاندارد غذایی گوسفند انجمن تحقیقات ملی (۱۲)، غلظت انرژی جیره و درصد سایر مواد مغذی تعیین و بر اساس آن جیره‌ غذایی بره‌ها تنظیم گردید. جیره گروه‌های ژنتیکی مشابه و شامل انرژی متابولیسمی ۲/۵۷ مگا کالری بر کیلوگرم، پروتئین ۱۳/۸ درصد، چربی خام ۴/۳۲ درصد، کلسیم ۱/۲ درصد و فسفر ۰/۵۱ درصد تنظیم شد. جیره‌ها به صورت کاملاً مخلوط تهیه و روزانه در دو نوبت (۸ صبح و ۱۶ بعد از ظهر) به طور آزاد در اختیار بره‌ها قرار گرفت. وزن کشتی بره‌ها رأس ساعت ۱۰ صبح صورت می‌گرفت. قبل از هر وزن کشتی بره‌ها به مدت ۱۲-۱۴ ساعت از غذا محروم بودند. بدلیل استفاده از گله‌های مردمی در این مطالعه و جلوگیری از اشتباهات احتمالی، بره‌ها در دو روز متوالی و در ساعت معینی وزن کشتی شده و میانگین آن به عنوان وزن دام در نظر گرفته شد. مقدار خوراک مصرفی به صورت روزانه از تفاضل پسماند آخور و خوراک ریخته شده محاسبه گردید. برای محاسبه ضریب تبدیل غذایی از نسبت مقدار خوراک مصرفی (گرم) به مقدار افزایش وزن (گرم) استفاده گردید. در پایان دوره پرور، بره‌ها پس از ۱۲ ساعت محرومیت از خوراک توزین شدند. سپس تعداد سه رأس بره از هر تیمار که وزن زنده آن‌ها نزدیک به میانگین وزن زنده تیمار خود بود، انتخاب و کشتار شدند. پس از ذبح بره‌ها، آرایش خوراکی با استفاده از ترازوی دیجیتال با دقت ۱۰ گرم توزین و وزن لاشه گرم بدون دنبه مشخص و ثبت گردید. هر یک از لاشه‌ها پس از ۲۴ ساعت نگهداری در دمای ۴+ درجه سانتی‌گراد توزین شده و سپس به ۵ قسمت شامل راسته، گردن، قلوگاه، دست و ران تقسیم شد. وزن هر یک از قطعات اندازه‌گیری و ثبت گردید. برای محاسبه راندمان لاشه، وزن لاشه سرد بر وزن زنده دام تقسیم گردید.

جدول ۳- عملکرد تولیدمثلی میش‌های مورد مطالعه

توانایی تولیدمثل (درصد)	بره‌گیری (درصد)	باروری (درصد)	بره از شیرگرفته شده (رأس)	بره متولد شده (رأس)	میش زایش کرده (رأس)	میش در معرض آمیزش (رأس)	گروه‌های ژنتیکی	
							نشانه	مادر (♀)
۹۴/۷۳	۱۰۵/۲	۷۶	۳۶	۴۰	۳۸	۵۰	BB	بلوچی
۸۸/۵۷	۱۰۲/۸	۷۰	۳۱	۳۶	۲۵	۵۰	GB	قره‌گل
۸۸	۱۰۸	۵۰	۲۲	۲۷	۲۵	۵۰	KB	کردی

میزان دوقلو زایی در دامنه ۲ تا ۸ درصد مشاهده گردید که بالاترین میزان دوقلو زایی مربوط به گروه ژنتیکی KB و کمترین آن در گروه ژنتیکی GB برآورد گردید. متوسط تلفات بره‌های شیرخوار ۱۸-۱۰ درصد بود که بالاترین میزان تلفات در گروه KB و کمترین آن در گروه ژنتیکی BB به ترتیب

میزان دوقلو زایی در دامنه ۲ تا ۸ درصد مشاهده گردید که بالاترین میزان دوقلو زایی مربوط به گروه ژنتیکی KB و کمترین آن در گروه ژنتیکی GB برآورد گردید. متوسط تلفات بره‌های شیرخوار ۱۸-۱۰ درصد بود که بالاترین میزان تلفات در گروه KB و کمترین آن در گروه ژنتیکی BB به ترتیب

($p < 0.05$) وزن از شیرگیری بره‌های حاصل از تلاقی با قوچ‌های قره‌گل بالاترین و بره‌های حاصل از تلاقی با قوچ‌های بلوچی کمترین وزن از شیرگیری را داشتند (به ترتیب $29/30$ و $25/08$ کیلوگرم) و اختلاف میانگین وزن از شیرگیری آن‌ها در سطح آماری ۵ درصد معنی‌دار بود. بره‌های خالص بلوچی کمترین سرعت افزایش وزن روزانه ($242/53$ گرم در روز) و بره‌های حاصل از تلاقی قوچ کردی بیشترین سرعت افزایش وزن روزانه ($260/10$ گرم در روز) را نشان دادند.

وزن تولد بره‌های حاصل از قوچ‌های قره‌گل نسبت به بره‌های حاصل از سایر قوچ‌ها سنگین‌تر بودند. احتمالاً به دلیل اینکه نژاد قره‌گل نژاد پوستی بوده و انتخاب‌های گذشته به منظور سطح پوست بیشتر باعث شده بره‌های با وزن تولد بالاتر انتخاب شوند تا سطح پوست بیشتری داشته باشند و همین عامل باعث برتری در وزن تولد بره‌ها شده است. در بین آمیخته‌ها بالاترین میانگین وزن تولد مربوط به بره‌های قره‌گل \times بلوچی $4/80$ کیلوگرم به دست آمد. بالاترین میانگین وزن از شیرگیری $29/3$ و کمترین آن $25/8$ کیلوگرم به ترتیب متعلق به گروه‌های ژنتیکی قره‌گل \times بلوچی و بلوچی خالص می‌باشند. بره‌هایی که با وزن تولد بیشتر به دنیا می‌آیند به دلیل وجود همبستگی ژنتیکی مثبت بین وزن تولد و سایر وزن‌های حیوان، در ادامه زندگی سرعت رشد بیشتری خواهند داشت (۲۱). در نتایج این پروژه وزن از شیرگیری و افزایش وزن بره‌های قره‌گل \times بلوچی نسبت به گروه‌های دیگر برتری داشتند که احتمالاً به دلیل وزن تولد بیشتر و معنی‌دار بره‌های قره‌گل \times بلوچی نسبت به گروه‌های ژنتیکی دیگر می‌باشد. نتایج این پروژه با نتایج آتشی و همکاران (۱) و کیانزاد و همکاران (۹) هم‌خوانی دارد و با نتایج به دست آمده توسط اسماعیل‌زاده و همکاران (۴) متفاوت می‌باشد.

احتمالاً این درصد باروری بالا در گروه ژنتیکی بلوچی خالص به این دلیل است که میش‌ها و قوچ‌ها هر دو از یک نژاد هستند. البته مقاومت بالای قوچ‌ها به شرایط محیطی، سازگاری و شرایط آب و هوایی، نیز باعث شده است که درصد باروری در این گروه ژنتیکی نسبت به گروه‌های آمیخته بالاتر باشد. بر اساس نتایج ارائه شده، تعداد بره از شیرگرفته در گروه ژنتیکی خالص بلوچی نسبت آمیخته‌ها بالاتر بود. این امر نشان می‌دهد که بره‌های خالص به دلیل تطابق بالا به شرایط محیطی، در شرایط بهتری به مرحله از شیرگیری رسیدند. راندمان بره‌گیری در گروه ژنتیکی KB بالاترین میزان بود که نسبت به کمترین راندمان بره‌گیری به دست آمده در گروه میش‌های قره‌گل تلاقی یافته با قوچ‌های بلوچی (GB) حدود ۶ درصد بیشتر بود (به ترتیب 108 در مقابل $102/8$ درصد). احتمالاً علت بالا بودن راندمان بره‌گیری در میش‌های بلوچی تلاقی یافته با قوچ‌های کردی مربوط به شرایط محیطی و مدیریت تغذیه ایستگاه حسین آباد شیروان می‌باشد که باعث بهبود تغذیه‌ای و ماندگاری بیشتر بره‌های آمیخته کردی \times بلوچی شده است.

عملکرد قبل از شیرگیری

عملکرد قبل از شیرگیری بره‌های خالص و آمیخته گروه‌های ژنتیکی مورد مطالعه در جدول ۴ ارائه شده است. وزن تولد بره‌ها به طور معنی‌داری تحت تأثیر قوچ مورد استفاده در آمیخته‌گری قرار گرفت ($p < 0.05$). بره‌های حاصل از قوچ‌های قره‌گل دارای بالاترین وزن تولد و بره‌های حاصل از قوچ‌های بلوچی دارای کمترین وزن تولد (به ترتیب $4/8$ و $3/9$ کیلوگرم) بودند. وزن تولد بره‌ها به طور معنی‌داری تحت تأثیر جنسیت بره‌ها قرار گرفت و بره‌های نر وزن تولد بالاتری ($4/56$) داشتند ($p < 0.05$).

وزن از شیرگیری و سرعت رشد بره‌ها به طور معنی‌داری تحت اثر قوچ، گروه‌های ژنتیکی و جنسیت بره‌ها قرار گرفتند

جدول ۴- میانگین حداقل مربعات و خطای استاندارد عملکرد قبل از شیرگیری بره‌های حاصل از تلاقی‌های مختلف

Table 4. Least squares means and standard error of performance before weaning of lambs from different crosses			
متغیرها	وزن تولد (کیلوگرم)	وزن از شیرگیری (کیلوگرم)	افزایش وزن روزانه (گرم در روز)
پدر	***	***	*
بلوچی	$3/95^{\pm 0.10}$	$25/08^{\pm 0.58}$	$242/53^{\pm 6/90}$
قره‌گل	$4/80^{\pm 0.10}$	$29/30^{\pm 0.59}$	$260/10^{\pm 6/97}$
کردی	$4/34^{\pm 0.12}$	$26/00^{\pm 0.70}$	$256/27^{\pm 8/27}$
جنس	**	**	*
نر	$4/56^{\pm 0.09}$	$28/13^{\pm 0.57}$	$262/6^{\pm 6/7}$
ماده	$4/16^{\pm 0.08}$	$25/9^{\pm 0.46}$	$243/19^{\pm 5/41}$
کل	$4/7 \pm 0.25$	$27/7 \pm 0.21$	$216/76 \pm 9/21$
ضریب تبیین	$0/87$	$0/72$	$0/95$

***: سطح معنی‌داری $0/001$ ، **: سطح معنی‌داری $0/01$ و *: سطح معنی‌داری $0/05$.
حروف غیر مشابه بیانگر اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد ($p < 0.05$) می‌باشند.

عملکرد دوره پروار

عوامل مؤثر بر میانگین میزان ماده خشک مصرفی، افزایش وزن روزانه و ضریب تبدیل غذایی در دوره پروار بره‌های حاصل از آمیخته گروه‌های ژنتیکی مورد مطالعه در جدول ۵ ارائه شده است. نتایج نشان می‌دهد که مقدار وزن پایانی و میزان افزایش وزن روزانه بره‌های پرواری تحت تأثیر نوع پدر قرار گرفته است ($p < 0.05$). بیشترین وزن پایانی مربوط به بره‌های گروه ژنتیکی GB و کمترین آن در بره‌های بلوچی

خالص به ترتیب $49/32$ و $38/94$ کیلوگرم برآورد گردید. بالاترین سرعت رشد در بره‌های آمیخته قره‌گل \times بلوچی و کمترین در بره‌های بلوچی خالص به ترتیب $169/2$ و $93/8$ گرم در روز مشاهده شد. کمترین میزان ماده خشک مصرفی روزانه به ازاء هر کیلوگرم وزن بدن در بره‌های گروه ژنتیکی BB بلوچی خالص ($0/95$ کیلوگرم در روز) و میزان ماده خشک مصرفی روزانه به ازاء هر کیلوگرم وزن بدن بره‌های حاصل از گروه ژنتیکی KB و GB ($1/25$) تفاوتی

مشاهده نشد. اختلاف میانگین ماده خشک مصرفی بین گروه‌های ژنتیکی در سطح آماری ۵ درصد معنی‌دار بود ($p < 0.05$). ضریب تبدیل غذایی بره‌ها نیز به طور معنی‌داری تحت تأثیر گروه‌های ژنتیکی قرار نگرفت ($p > 0.05$). به لحاظ عددی بره‌های آمیخته قره‌گل × بلوچی دارای کمترین ضریب تبدیل غذایی (۷/۸۴) و بره‌های بلوچی خالص دارای بالاترین ضریب تبدیل غذایی (۱۰/۵۳) بودند. نتایجی در مورد تأثیر مثبت آمیخته‌گری بر سرعت رشد توسط برخی از محققین گزارش شده است. در مطالعه‌ای متوسط افزایش وزن روزانه آمیخته‌های آواسی × شاروله و آواسی × رومانف (به ترتیب ۲۳۴ و ۳۱۱ گرم در روز) با آواسی خالص (۲۰۷ گرم در روز) تفاوت بسیار معنی‌داری داشته است (۱۱). آمیخته‌گری سنت کروکس‌وایت با دورپر، سرعت رشد بره‌های آمیخته را نسبت به سنت کروکس‌وایت خالص به طور معنی‌داری افزایش داد، به نحوی که زمان رسیدن به وزن ۳۰ کیلوگرم در بره‌های خالص ۱۵۳±۶/۸ و در بره‌های آمیخته ۱۱۸/۹±۷/۴ روز و افزایش وزن روزانه دو گروه ژنتیکی به ترتیب ۱۰۸/۱±۴/۳ و

جدول ۵- میانگین حداقل مربعات و خطای استاندارد عملکرد دوره پرورار بره‌های حاصل از تلاقی‌های مختلف

Table 5. Least squares means and standard error of performance of fattening period of lambs from different crosses

گروه ژنتیکی	وزن شروع آزمایش (کیلوگرم)	پایان دوره	رشد طول دوره آزمایش (گرم در روز)	ماده خشک مصرفی در کل دوره (کیلوگرم)	ضریب تبدیل	ماده خشک مصرفی	ماده خشک مصرفی
BB	۲۰/۵ ^{ab} ±۰/۷۸	۳۸/۹۴ ^{cd} ±۱/۳۶	۹۳/۸ ^{cd} ±۱۸/۱	۶۰/۹ ^{cd} ±۳/۰۵	۱۰/۵۳ ^{cd} ±۱/۰۴	۰/۹۵ ^{cd} ±۰/۰۴	۳/۵۱ ^{cd} ±۰/۳۴
GB	۳۴/۸ ^{ab} ±۰/۷۸	۴۹/۳۳ ^{cd} ±۱/۳۶	۱۶۹/۳ ^{cd} ±۱۸/۱	۸۰/۶ ^{cd} ±۳/۰۵	۷/۸۴ ^{cd} ±۱/۰۴	۱/۲۵ ^{cd} ±۰/۰۴	۲/۶۱ ^{cd} ±۰/۳۴
KB	۳۳/۵ ^{ab} ±۰/۷۸	۴۶/۳۶ ^{cd} ±۱/۳۶	۱۵۴/۱ ^{cd} ±۱۸/۱	۷۹/۳ ^{cd} ±۳/۰۵	۸/۹۳ ^{cd} ±۱/۰۴	۱/۲۳ ^{cd} ±۰/۰۴	۲/۹۹ ^{cd} ±۰/۳۴

BB: گروه ژنتیکی بلوچی خالص، GB: گروه ژنتیکی قوچ قره‌گل و میش بلوچی و KB: گروه ژنتیکی قوچ کردی و میش بلوچی
حروف غیر مشابه بیانگر اختلاف معنی‌دار در سطح ۵ درصد ($p < 0.05$) می‌باشند.

در بره‌های سنت کروکس وایت خالص تفاوت معنی‌داری با آمیخته‌های سنت کروکس وایت × دورپر نداشت (۴۱/۸) در برابر (۴۱/۳ درصد). بر اساس نتایج گزارش شده توسط کلوت و همکاران (۲) در آمیخته‌گری میش‌های دورپر با قوچ‌های ایل دو فرانس، مرینو لاندشپ (Merino Land sheep) و ساماتن مرینو (SA Mutton Merino) در دو سال متوالی در سال اول که سن کشتار ۲۵۱±۴ روز بود. درصد لاشه در دورپر خالص از آمیخته‌ها بیشتر بود، اما در سال دوم که کشتار بره‌ها سریع‌تر انجام شده بود (۱۶۹±۴ روزگی) تفاوت معنی‌داری بین بره‌های خالص و آمیخته‌ها وجود نداشت (۴۰/۵) تا (۴۰/۹ درصد برای آمیخته‌ها و ۴۱/۶ درصد برای دورپر خالص). در مطالعه دیگری گزارش شد که در مقایسه با بره‌های تیمادیت (Timadite) خالص، وزن کشتار آمیخته‌های تیمادیت × دومن (D'man) و تیمادیت × مرینوس پرکوک (Merinos percoce) به ترتیب ۴/۶، ۹ و ۱۰/۷ درصد افزایش یافته و دومن خالص کمترین وزن کشتار و وزن لاشه را داشته است (۳). در بررسی دیگری نیز وزن کشتار و وزن لاشه گرم را در آمیخته‌های آواسی و رومانف به ترتیب ۰/۹۵ ± ۳۳/۶۰ و ۰/۶۷ ± ۱۵/۶۹ گزارش کردند (۱۹). مطابق با مطالعه حاضر در گوسفندان مورکارامان و آمیخته‌های مورکارامان × رومانف، وزن کشتار و وزن لاشه گرم در بره‌های خالص مورکارامان بیشتر از بره‌های آمیخته گزارش شده است (۲۰).

خصوصیات لاشه بره‌های پروراری

میانگین خصوصیات لاشه بره‌های پروراری حاصل از تلاقی‌های مختلف در جداول ۶ ارائه شده است. نتایج نشان دادند که وزن لاشه گرم، لاشه سرد و راندمان لاشه بره‌های پروراری به طور معنی‌داری تحت تأثیر عامل پدری قرار گرفته است ($p < 0.05$). بالاترین وزن لاشه گرم مربوط به بره‌های آمیخته کردی × بلوچی و کمترین وزن لاشه گرم مربوط به بره‌های بلوچی خالص به ترتیب ۲۸/۹۳ و ۲۲/۶ کیلوگرم به دست آمد که اختلاف بین میانگین‌ها در سطح آماری ۵ درصد معنی‌دار بود. همچنین وزن لاشه سرد تحت تأثیر معنی‌داری گروه‌های ژنتیکی قرار گرفت ($p < 0.05$) و بره‌های آمیخته کردی × بلوچی نسبت به سایر گروه‌های ژنتیکی دارای وزن لاشه سرد (۲۸/۱۵ کیلوگرم) بالاتری بود. وزن لاشه سرد بره‌های خالص بلوچی کمترین مقدار را (۲۱/۸ کیلوگرم) به خود اختصاص داد. بر اساس نتایج، بالاترین راندمان لاشه مربوط به بره‌های آمیخته کردی × بلوچی (۶۱/۰۰ درصد) و بره‌های آمیخته قره‌گل × بلوچی دارای کمترین راندمان لاشه (۵۴/۲ درصد) بودند. آمیخته‌گری نژاد پلی‌پویی مکزیکی با رامبویه و سافولک (۷) و همچنین آمیخته‌گری آواسی با شاروله و رومانف (۱۱) تأثیر معنی‌داری بر وزن لاشه سرد و گرم نداشت. اما در بررسی کاشان و همکاران (۸) درصد لاشه در آمیخته‌های زندی × زل (۵۳/۲ درصد) و زندی × شال (۵۰/۱ درصد) به طور معنی‌داری کمتر از زندی خالص (۵۸/۲ درصد) بود. در مطالعه گادفری و ویس (۵) وزن و درصد لاشه

جدول ۶- میانگین حداقل مربعات و خطای استاندارد خصوصیات لاشه بره‌های پرواری حاصل از تلاقی‌های مختلف

Table 6. Least squares means and standard error of carcass characteristics of fattening lambs from different crosses

گروه پدری	گروه مادری	نشانه	وزن لاشه گرم	وزن لاشه سرد	راندمان لاشه
بلوچی	بلوچی	BB	۳۲/۶ ^c ± ۰/۲	۲۱/۸۷ ^c ± ۰/۰۳	۵۹/۶۴ ^a ± ۱/۷
قره‌گل	بلوچی	GB	۲۴/۸ ^b ± ۰/۷	۲۴/۲ ^b ± ۰/۰۶	۵۴/۲ ^b ± ۰/۴
کردی	بلوچی	KB	۲۸/۹۳ ^a ± ۰/۰۶	۲۸/۱۵ ^a ± ۰/۰۵	۶۱/۰۰ ^a ± ۰/۰۲

بلوچی (۳/۲۸ کیلوگرم) بود که در مقایسه با کمترین میانگین وزن ران بره‌های بلوچی خالص (۲/۷۲ کیلوگرم) تفاوت معنی‌داری داشتند.

در مطالعه‌ای در مورد آمیخته‌گری نژاد آواسی با نژادهای بدون دنبه اروپایی، وزن دنبه آواسی خالص ۲/۷۴ کیلوگرم و آواسی × رومانف ۰/۵۶ کیلوگرم و آواسی × شاروله ۰/۴۳ کیلوگرم گزارش شده است (۱۱). کاهش اندازه دنبه توسط گوگردال و همکاران (۶) در آمیخته‌گری گوسفندان نژاد کاراکاس ترکیه و ایل‌دوفرانس گزارش شد (۲/۸۴) در برابر ۰/۹۶ کیلوگرم). در بررسی کاشان و همکاران (۸) در آمیخته‌گری نرهای زل × شال و زل × زندی، وزن دنبه نسبت به نژادهای خالص زندی و شال حدود ۵۰ درصد کاهش یافت، اما چربی زیر جلدی در آمیخته‌ها حدود ۲۵ درصد بیشتر از نژادهای خالص بود. بر اساس نتایج گوتیرز و همکاران (۷) تفاوت بین چربی داخلی در پلی‌پویی خالص و آمیخته‌های آن‌ها با رامبویه و سافولک معنی‌دار نبود. نتایجی توسط کلوت و همکاران (۲) گزارش شده است که چربی زیر جلدی در ناحیه دنبه سیزدهم و نیز دنبه‌های سوم و چهارم در بره‌های آمیخته به طور معنی‌داری کمتر از دورپر خالص بود (۰/۶۲ تا ۱/۷۶ میلیمتر در آمیخته‌ها و ۲/۱۶ میلیمتر در دورپر خالص). اما گادفری و ویس (۵) و مومانی و همکاران (۱۱) گزارش کردند که آمیخته‌گری تأثیر معنی‌داری بر ضخامت چربی پشت نداشته است.

اجزا و ترکیبات لاشه بره‌های پرواری

میانگین و عوامل موثر بر ضخامت چربی و وزن اجزای لاشه بره‌های پرواری حاصل از بره‌های کشتار شده مربوط به گروه‌های ژنتیکی در جدول ۷ ارائه شده است. عامل پدر در گروه‌های مختلف ژنتیکی مورد بررسی در این تحقیق تأثیر معنی‌داری بر ضخامت چربی دنده ۱۲ بره‌های خالص و آمیخته داشتند ($p < 0.05$). کمترین میانگین ضخامت چربی دنده دوازده متعلق به گروه بره‌های بلوچی خالص (۵/۰۱ میلی متر) و بالاترین آن مربوط به لاشه بره‌های قره‌گل × بلوچی (۹/۵ میلی‌متر) بودند که با همدیگر اختلاف معنی‌داری داشتند ($p < 0.05$). وزن دنبه بره‌ها نیز به لحاظ آماری تحت تأثیر گروه‌های ژنتیکی قرار گرفت ($p < 0.05$). وزن دنبه بره‌های قره‌گل × بلوچی بالاترین (۳/۸۵ کیلوگرم) و وزن دنبه بره‌های بلوچی خالص کمترین (۳/۲ کیلوگرم) به دست آمد که با همدیگر اختلاف معنی‌داری داشتند.

گروه‌های ژنتیکی تأثیر معنی‌داری بر وزن راسته، گردن، قلوگاه و دست بره‌های مورد بررسی نداشتند ($p > 0.05$) در صورتی که اثر معنی‌داری بر میزان وزن ران داشتند ($p < 0.05$). به لحاظ عددی لاشه‌ی بره‌های کردی × بلوچی دارای بالاترین وزن راسته، گردن، قلوگاه و دست (به ترتیب ۳/۰۱، ۱/۱۳، ۱/۸۸ و ۲/۲۸ کیلوگرم) و کمترین مقادیر وزن راسته، گردن، قلوگاه و دست متعلق به گروه ژنتیکی بره‌های خالص بلوچی (به ترتیب ۲/۸، ۰/۹، ۱/۵ و ۱/۷۴ کیلوگرم) بودند. بیشترین میانگین وزن ران، مربوط به گروه ژنتیکی قره‌گل ×

جدول ۷- میانگین حداقل مربعات و خطای استاندارد اجزای لاشه بره‌های پرواری حاصل از تلاقی‌های مختلف

Table 7. Least squares means and standard error of carcass components of fattening lambs from different crosses

گروه‌های ژنتیکی	ضخامت چربی (میلیمتر)	وزن دنبه (کیلوگرم)	وزن راسته (کیلوگرم)	وزن گردن (کیلوگرم)	وزن قلوگاه (کیلوگرم)	وزن دست (کیلوگرم)	وزن ران (کیلوگرم)
BB	۵/۰۱ ^b ± ۰/۰۱	۳/۲ ^{ns} ± ۰/۰۱	۲/۸ ^{ns} ± ۰/۰۱	۰/۹ ^{ns} ± ۰/۰۱	۱/۵ ^b ± ۰/۰۱	۱/۷۴ ^b ± ۰/۰۱	۲/۷۲ ^b ± ۰/۰۱
GB	۹/۵ ^a ± ۰/۰۸	۳/۸۵ ^{ns} ± ۰/۰۸	۲/۷۲ ^{ns} ± ۰/۰۲	۰/۶۵ ^b ± ۰/۰۱	۲/۵۳ ^a ± ۰/۰۱	۲/۲۳ ^a ± ۰/۰۱	۳/۲۸ ^a ± ۰/۰۱
KB	۷/۲ ^a ± ۰/۰۴	۳/۶ ^{ns} ± ۰/۰۸	۳/۰۱ ^{ns} ± ۰/۰۶	۱/۱۳ ^a ± ۰/۰۲	۱/۸۸ ^a ± ۰/۰۱	۲/۲۸ ^a ± ۰/۰۱	۳/۲۳ ^a ± ۰/۰۱

سایر گروه‌های ژنتیکی داشتند. به نظر می‌رسد آمیخته‌های قره‌گل × بلوچی دارای توجیه اقتصادی بالاتری داشته باشند و استفاده از قوچ‌های نژاد قره‌گل جهت تولید بره‌های تجاری آمیخته مناسب‌تر می‌باشد.

نتیجه‌گیری کلی

با توجه به نتایج به دست آمده بره‌های آمیخته قره‌گل × بلوچی دارای وزن تولد، وزن از شیرگیری، افزایش وزن روزانه قبل و پس از شیرگیری و ضریب تبدیل مناسب‌تری نسبت به

منابع

- Atashi, H. and J. Izadifar. 2012. Estimation of Individual Heterosis for Lamb Growth in Ghezal and Mehraban Sheep. Iranian Journal of Applied Animal Science, 2(2): 127-130.
- Cloete, J.J.E., S.W.P. Cloete, J.J. Olivier and L.C. Hoffman. 2007. Terminal crossbreeding of Dorper ewes to Ile de France, Merino Landsheep and SA Mutton Merino sires: Ewe production and lamb performance. Small Ruminant Research, 69: 28-35.
- El Fadili, M., C. Michaux, J. Detilleux and P.L. Leroy. 2001. Evaluation of fattening performances and carcass characteristics of purebred, first and second cross lambs between Moroccan Timahdite, D'man and improved meat rams. Animal Science, 72: 251-257.

4. Esmailzadeh, A.K., S.R. Miraei-Ashtiani, M.S. Mokhtari and M. Asadi Fozi. 2011. Growth Performance of Crossbred Lambs and Productivity of Kurdi Ewes as Affected by the Sire Breed under Extensive Production System. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 13: 701-708.
5. Godfrey, R.W. and A.J. Weis. 2005. Post-weaning growth and carcass traits of St. Croix White and Dorper × St. Croix White lambs fed a concentrate diet in the US Virgin Islands. *Sheep and Goat Research*, 20: 32-36.
6. Gokdal, O., H. Ulker, F. Karakus, F. Cengiz, C. Temur and H. Handil. 2004. Growth, feedlot performance and carcass characteristics of Karakas and crossbred lambs (F1) (Ile de France x Akkaraman (G1) x Karakas) under rural farm conditions in Turkey. *South African Journal of Animal Science*, 34(4): 223 -232.
7. Gutierrez, J., M.S. Rubio and R.D. Mendez. 2005. Effects of crossbreeding Mexican Pelibuey sheep with Rambouillet and Suffolk on carcass traits. *Meat Science*, 70: 1-5.
8. Kashan, N.E.J., G.H. Manafi Azar, A. Afzalzadeh and A. Salehi. 2005. Growth performance and carcass quality of fattening lambs from fat-tailed and tailed sheep breeds. *Small Ruminant Research*, 60: 267-271.
9. Kiyanzad, M.R. 2002. Cross breeding of three Iranian sheep with respect to reproductive, growth and carcass characteristics. Ph.D. Thesis. University of Putra Malaysia.
10. Khaldari, M. and H. Ghiasi. 2018. Effect of crossbreeding on growth, feed efficiency, carcass characteristics and sensory traits of lambs from Lori-Bakhtiari and Romanov breeds. *Livestock Science*, 214: 18-24.
11. Momani Shaker, M., A.Y. Abdullah, R.T. Kridli, I. Sada and R. Sovjak. 2002. Effect of crossing indigenous Awassi sheep breed with mutton and proliPc sire breeds on growth performance of lambs in subtropical region. *Czech Journal of Animal Science*, 47(6): 247-252.
12. National Research Council. 2007. Nutrient Requirements of Small Ruminants: Sheep, Goats, Cervids, and New World Camelids. The National Academeis Press.
13. Phillips, W.A., M.A. Brown, H.G. Dolezal and G.Q. Fitch. 2005. Feedlot performance and carcass characteristics of lambs sired by Texel, Romanov, St. Croix or Dorset rams from Polypay and St. Croix ewes. *University of Nebraska – Lincoln. Sheep & Goat Research Journal*, 20: 11-16.
14. Saatchi, M. 2004. Comparison of performance of growth and breeding traits of purebred and crossbred lambs. *Proceedings of the First Congress of Animal and Aquatic Sciences of the country. (In Persian)*.
15. SAS Institute Inc. 2009. SAS/STAT User's Guide, Version 9.2. SAS Institute Inc., Cary, NC.
16. Seyedsharifi, R. and A. Hamzehzadeh Azar. 2016. Evaluation of slaughtered lambs results from Varamini ewes crossing with Shal, Afshar, Moghani and Varamini ram. *Iranian Journal of Animal Science Research*, 8(1): 174-184. (In Persian).
17. Statistical Center of Iran. 2019. Statistical results of measuring the number and production of livestock.
18. Talebi, M.A. and K. Gholamhosan. 2017. Growth and Feedlot Performance of Lori-Bakhtiari, Romanov × Lori-Bakhtiari and Pakistani × Lori-Bakhtiari Crossbred Lambs. *Research on Animal Production*, 8(17): 201-208 (In Persian).
19. Tekel, N., I. Baritci, H.D. Sireli, M. Tutkun, E. Eyduran and M.M. Tariq. 2020. Determination of Fattening Performance and Carcass Characteristics of Awassi × (Romanov × Awassi) G1 Hybrid Male Lambs. *Pakistan Journal of Zoology*, 52(2): 753-758.
20. Turkyilmaz, D. and N. Esenbuga. 2019. Increasing the productivity of Morkaraman sheep through crossbreeding with prolific Romanov sheep under semi-intensive production systems. *South African Journal of Animal Science*, 49(1): 185-191.
21. Vatankhah, M. and S. Zakizadeh. 2020. Review on crossbreeding in Iranian sheep. *Journal of animal science*, 127: 165-176 (In Persian).

Evaluation of Performance of Crossbred Lambs from Baluchi Ewe with Kurdi and Karakul Rams

Davoud Ali Saghi¹, Ali Reza Vadiiee Nogabei² and Razieh Saghi³

1- Associate Professor of Agricultural Education and Extension Research, Khorasan Razavi Agricultural Research and Education Center and Natural Resources, (Corresponding author: davoudali@yahoo.com)

2- Master of Agricultural Education and Extension Research, Khorasan Razavi Agricultural Education and Research Center

3- Ph.D. in Agricultural Education and Extension Research, Khorasan Razavi Agricultural Education and Research Center

Received: 5 December, 2021 Accepted: 22 October, 2022

Extended Abstract

Introduction and Objective: Crossbreeding as the fastest approach to take advantage of difference between breeds, can be an effective method to improve the efficiency of meat production in sheep. The aim of the present study is to compare Balochi lambs with the crossbred obtained from Baluchi ewes with Kurdi and Karakul rams.

Material and Methods: In order to investigate the effect of crossbreeding on the weight performance of lambs up to weaning and the fattening period and carcass composition, three genetic groups including pure Baluchi (BB) lambs, Karakul × Baluchi (GB) and Kurdi × Baluchi (KB) crosses were used. The ewes were mated in groups of 50 and each group with 2 rams. The number of 27 purebred and crossbred male lambs was used in the form of three treatments with three replications and three lambs per replication. Data were analyzed using GLM procedure of SAS software.

Results: The results showed that lambs from Karakul rams had the highest birth weight and lambs from Baluchi rams had the lowest birth weight (4.80 and 3.95 kg, respectively). Lambs from karakul rams had higher daily gain (260g /day) before weaning than other lambs ($p<0.05$). The highest and lowest dry matter intake were in the GB group (1250g /day) and the BB group (950 g / day), respectively. The highest daily gain in GB group and the lowest in BB group were 169.2 and 93.8 g / day, respectively ($p<0.05$). The genetically groups had significant effect on cold and hot carcass weights ($p<0.05$). The effect of crossbreeding on fat thickness, fat-tail, and shank was significant ($p<0.05$).

Conclusion: Due to the suitable reproductive performance in using Karakul ram as a paternal breeding base and optimal performance in growth rate, feed consumption, conversion ratio in the pre-weaning and post-weaning periods as well as carcass characteristics including hot and cold carcass weight and less tail compared to other crossbreds used in this study, it is probably more appropriate to use Karakul rams to produce crossbred lambs.

Keyword: Baluchi sheep, Carcass compositions, Crossbreeding, Growth, Karakul